خبرسازان

ایران در نمایشگاه فرانکفورت شرکت نمی‌کند

• وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره خودداری از حضور در نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت بیانیه‌ای صادر کرد. متن کامل این بیانیه به شرح زیر است: «نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت که یکی از بزرگ‌ترین نمایشگاه‌های کتاب در سطح جهان به‌شمار می‌آید متأسفانه در سال‌جاری در تعارض آشکار با اهداف اعلام‌شده فرهنگی، تحت پوشش آزادی بیان اقدام به دعوت از یکی از چهره‌های منفور در جهان اسلام نموده و برای سلمان رشدی نویسنده ملحد کتاب آیات شیطانی فرصتی برای ایراد سخنرانی در آن نمایشگاه و رونمایی از آخرین اثر وی نموده است که محتوای آن نیز خود نوعی مقابله مستقیم با اندیشه‌ها و باورهای دینی می‌باشد. جای تأسف است که برگزارکنندگان این رخداد خود را بازیچه دست عوامل صهیونیست و ضداسلام قرار داده و با مستمسک قراردادن واژه آزادی بیان عواطف و احساسات مسلمانان سراسر جهان را خدشه‌دار ساخته‌اند. تجلیل و تقدیس از چهره‌ای که احساسات صدها میلیون انسان را جریحه‌دار و به ارزش‌ها و عناصر مورد احترام آنان بی‌حرمتی و توهین می‌کند نه‌تنها به‌نفع آزادی بیان نیست بلکه نوعی بازی سیاسی با ارزش‌های انسانی و دینی است که به خشونت‌طلبان و گروه‌های افراطی ضداسلام بهانه خواهد داد تا از این بستر به اهداف نامشروع خود دست پیدا کنند. آزادی‌بیان ازجمله ارزش‌های انسانی است که در فرهنگ دینی و ملی ما مورد احترام ویژه می‌باشد. احترام به آزادی بیان مسئله سیاسی نیست که با سیاست روزمره مورد خدشه قرار گیرد یقینا «این معنای بلند انسانی بدون توجه و نظرداشت به ارزش‌ها و مقدسات جوامع انسانی محقق نخواهد شد. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به نمایندگی از ملت بزرگی که همواره حرمت‌گذار ادیان و فرهنگ‌های مختلف بوده است ضمن اعتراض شدید نسبت به این اقدام ضدفرهنگی علیرغم آمادگی‌های قبلی و صرف هزینه‌های فراوان از حضور در نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت خودداری نموده و از سایر کشورهای اسلامی نیز می‌خواهد در برابر این اقدام تحریک‌آمیز اعلام موضع نمایند. همچنین از مسئولان نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت انتظار می‌رود از برخورد گزینشی در مواجهه با مفهوم والا و ارزشمند آزادی‌بیان پرهیز نموده و با اتخاذ تدابیر صحیح، فرصت تعامل و همکاری با دولت‌ها و ملل مسلمان را گسترش دهند».

زیر آسمان فیروزه‌ای

مجلس ترحیم هما روستا برگزار شد



• **شرق:** مجلس یادبود هما روستا با حضور جمعی از هنرمندان تئاتر و سینما و مدیران هنری برگزار شد. در مجلسی که شامگاه پنجشنبه، ۱۶ مهر در مسجد جامع شهرک غرب برگزار شد هنرمندانی همچون ابراهیم حاتمی‌کیا، ترانه علیدوستی، محمد رحمانیان، علی دهکردی، احترام برومند، پوری بنایی،دکتر علی رفیعی، حمید امجد، ضیاءالدین دری، امیر اثباتی، حمید لبخنده، محمودرضا رحیمی، حمید پورآذری، پرویز پورحسینی، مهدی میامی، ستاره اسکندری، فروغ قجابگلی، بهزاد صدیقی، هاله مشتاقی‌نیا، هما جدی‌کار، علی‌اصغر دشتی، مسعود دلخواه و... همراه با علی مرادخانی، معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در کنار خانواده‌های زنده‌یاد حمید سمندریان (همسر هما روستا) گردهم آمدند و یاد و خاطره این هنرمند را گرامی داشتند. گفتنی است هما روستا بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون چهارم مهر پس از تحمل یک دوره بیماری در ۷۱ سالگی در آمریکا درگذشت. مراسم خاک‌سپاری او روز سه‌شنبه، ۱۴ مهر برگزار شد.



عکس: Gettyimages

الکسیویچ برنده نوبل ادبی ۲۰۱۵:

آزادی‌ام را می‌خرم

شرق: پنجشنبه هشتم اکتبر مطابق با ۱۶ مهر، چهاردهمین زن در تاریخ نوبل ادبیات، این جایزه را از آن خود کرد. سوتلانا الکسیویچ، نویسنده و روزنامه‌نگار بلاروسی، برنده جایزه ادبی نوبل شد تا اهالی ادبیات امسال نیز از نام برنده نوبل ادبیات متحیر شوند، گرچه پیش‌تر در گمانه‌زنی‌های برندگان امسال، نام این نویسنده بلاروسی نیز به چشم می‌خورد. آکادمی نوبل نوشته‌های این روزنامه‌نگار ۶۷ ساله را «مظهر شجاعت و مصیبت در دوران ما» توصیف کرد. گفته شده الکسیویچ یک نویسنده سیاسی و منتقد دولت کشورش است.

از معروف‌ترین آثار او می‌توان به «صداهایی از چرنوبیل»، یک تاریخ شفاهی از فاجعه هسته‌ای در نیروگاه چرنوبیل در اوکراین در اواسط دهه ۱۹۸۰ همین‌طور «Boys In Zink»، مجموعه‌ای از روایات دست‌اول از جنگ شوروی سابق و افغانستان، اشاره کرد. او در ۱۹۴۸ در شهر اوکراینی ایوانو-فرانکیفسک، از پدری بلاروسی و مادری اوکراینی، به دنیا آمد. خانواده الکسیویچ پس از آنکه پدرش دوره خدمت سربازی را به پایان رساند، به بلاروس نقل‌مکان کردند. الکسیویچ بین ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۲ در دانشگاه مینسک در رشته روزنامه‌نگاری تحصیل کرد. او بعد از فارغ‌التحصیلی چندسال در مقام روزنامه‌نگار کار کرد.

اولین کتاب الکسیویچ به نام «چهره غیرزنانه جنگ» در سال ۱۹۸۵ منتشر شد. او کتاب خود را بر مبنای مصاحبه با صدها زن که در جنگ جهانی دوم مشارکت داشتند، نوشت. این کتاب الگویی برای آثار بعدی او شد. الکسیویچ داستان‌های خود را برمبنای شاهدان تکان‌دهنده‌ترین رویدادهای دنیا پایه‌گذاری می‌کند. الکسیویچ در وب‌سایت شخصی خود درمورد فعالیت در حوزه روزنامه‌نگاری نوشته است: من ژانری را انتخاب کردم که در آن انسان‌ها حرف دل خود را می‌زنند. الکسیویچ پیش از این جایزه «پن» سوئدی را برای «شجاعت و شرف به‌عنوان یک نویسنده» دریافت کرد؛ جالب اینکه تابه‌حال ترجمه اثری از او به زبان فارسی منتشر نشده است.

تاکنون ۱۱۲ نفر بین سال‌های ۱۹۰۱ تا ۲۰۱۵ برنده نوبل ادبی شده‌اند که در میان اسامی آنها می‌توان به نویسندگانی همچون کامو، مارکز، پاموک و یوسا اشاره کرد. در میان نویسندگان بنامی که جامعه جهانی ادبیات می‌شناسند، بسیاری هنوز صاحب این جایزه نشده‌اند؛ میلان کوندرا، نویسنده‌ای که سال‌هاست به زبان فرانسوی آثار مهمی را خلق کرده است، فیلیپ راث آمریکایی و هاروکی موراکامی ژاپنی ازجمله این نویسندگان شهیر هستند. این در حالی است که طی سال‌های اخیر این جایزه به نویسندگانی تعلق گرفته که در جامعه جهانی چندان مطرح نبوده‌اند.

الکسیویچ، نویسنده ۶۷ ساله اهل بلاروس در اولین سخنانش پس از دریافت نوبل گفت: پس از شنیدن خبر برنده‌شدن جایزه نوبل ادبیات، فورا نام نویسندگان سرشناس برنده نوبل روس چون «ایوان بونین» و «بوریس پوسترناک» به ذهنم خطور کرد. از یک طرف احساس فوق‌العاده‌ای است، اما کمی نگران‌کننده نیز هست. به گزارش گاردین، الکسیویچ که در تماسی تلفنی با آکادمی نوبل صحبت می‌کرد، گفت: هنگامی که تلفن زنگ خورد، در خانه و مشغول اتوکردن بودم.

او درباره این جایزه گفت: با هشت‌میلیون کرون سوئیس (۷۷۰هزار دلار) جایزه نقدی نوبل، آزادی‌ام را می‌خرم. نوشتن کتاب‌هایم بین پنج تا ۱۰ سال زمان می‌برد. دو ایده برای کتاب‌های جدیدم دارم و بنابراین خوشحالم که اکنون آزادی لازم برای کارکردن روی آنها را دارم.

«سارا دانیوس»، دبیر دائم آکادمی نوبل، نیز «الکسیویچ» را نویسنده‌ای فوق‌العاده خواند و گفت: او در ۳۰ یا ۴۰ سال گذشته سرگرم ترسیم افراد در اتحادیه جماهیر شوروی و پس از آن بوده است. آثار او واقعا تاریخ رویدادها نیست، بلکه تاریخ احساسات است و آنچه او به ما ارائه می‌دهد درواقع یک دنیای عاطفی است. بنابراین رویدادهایی تاریخی چون فاجعه اتمی چرنوبیل یا جنگ شوروی در افغانستان که وی در بسیاری از آثارش به آنها اشاره دارد، درواقع تنها بهانه‌ای است برای واکاوی افراد در زمان اتحادیه جماهیر شوروی و پس از آن.

دبیر دائم آکادمی نوبل درباره این نویسنده همچنین گفت: «الکسیویچ» هزاران مصاحبه با کودکان، زنان و مردان انجام داده و به این صورت آنچه به ما ارائه می‌دهد تاریخ بشریت است که پیش از آن چیز زیادی از آن نمی‌دانستیم و درعین‌حال تاریخی از عواطف و تاریخی از روح به ما عرضه می‌کند. این نخستین بار نیست که آکادمی نوبل، با اعلام نام نویسنده‌ای گمنام به‌عنوان برنده خود، جهانیان را شگفت‌زده می‌کند. پیش‌تر نیز اعلام نام «مو یان»، نویسنده چینی، به‌عنوان برگزیده نوبل، درحالی‌که هنوز نویسنده‌های بزرگی همچون موراکامی و فیلیپ راث این جایزه را دریافت نکرده‌اند. باعث شگفتی شده بود.

رونمایی از «شطرنج با ماشین قیامت» در روسیه



شرق: کتاب شطرنج با ماشین قیامت که تاکنون به زبان‌های مختلف دنیا ترجمه و در دانشگاه‌های آمریکا به‌عنوان یکی از متون درس ادبیات مدرن خاورمیانه مورد مطالعه دانشجویان آمریکایی قرار می‌گیرد، این‌بار ترجمه روسی آن با حضور حبیب احمدزاده، نویسنده، در بزرگ‌ترین کتاب‌فروشی کشور روسیه، بیبلیو گلوبوس (Biblio globus) در مسکو رونمایی شد.

الکساندر اندروشکین؛ مترجم روسی کتاب و عضو اتحادیه نویسندگان روسیه، در پیامی به این رونمایی، محتوای این کتاب و رمان را به‌جز شیوه منطقی و زیبای شخصیت‌های داستان، به‌نوعی روحیه امروزین ایرانیان در شطرنج هسته‌ای با غرب دانست. حبیب احمدزاده نیز در ابتدای رونمایی، فاجعه منا را به میهمانان و خبرنگاران روس حاضر در جلسه یادآور شد و غم عظیم خود به‌مناسبت عدم افشای حقایق کشته‌شدن هزاران انسان بی‌گناه در این فاجعه را مانعی بزرگ برای ابراز خوشحالی در لحظه رونمایی کتابش در مسکو دانست.

در ادامه این مراسم، مؤسسه بین‌المللی اوراسیا، دیپلم افتخار و جایزه مدال نقره‌ای خود را از سوی نویسندگان و منتقدان منطقه روس و قفقاز، به علت نوآوری و جذابیت در نگارش رمان «شطرنج با ماشین قیامت» به حبیب احمدزاده اهدا کرد. از دیگر برنامه‌های جنبی رونمایی، حضور نویسنده در مدرسه داستان‌نویسی ماکسیم گورکی مسکو و نیز کلاس درس دانشجویان زبان فارسی دانشگاه زبان‌های خارجی روسیه بود که در هر دو مورد، نویسنده به‌صورت کارگاهی به ارائه تجربیات و نیز خواندن آخرین داستان کوتاه خود که به صورت فتورمان در اینستاگرام قرار داده شده پرداخت که به‌عنوان یک شیوه مدرن داستان‌نویسی در عصر دیجیتال بسیار مورد توجه نویسندگان و دانشجویان روسی قرار گرفت. از دیگر برنامه‌های جنبی این رونمایی در چندروز اقامت نویسنده، نمایش فیلم‌های مستند (بیست و سه و آن یک نفر) مهدی جعفری، (شما چه کسی هستید) وحید چاووش، (خاطراتی برای تمام فصول) مرتضی رزاق‌کریمی و (پژواک سکوت) از حمید زرگرنژاد با زیرنویس روسی در بعضی از این دیدارها بود که در انتها نسخه‌های این فیلم‌ها به این مؤسسات و نیز تعدادی از نویسندگان، دانشجویان و استادان روسی اهدا شد. خوانندگان و نویسندگان روسی که از زمان نمایشگاه بین‌المللی کتاب مسکو تاکنون این رمان را خوانده بودند، براین باورند که این کتاب با تمامی مطالعاتشان در مورد جنگ میهنی روس‌ها و حتی دیگر کشورها متفاوت‌تر و به‌نوعی جذاب‌تر و بکرتر محسوب می‌شود. مصاحبه‌های متعدد نویسنده «کتاب شطرنج با ماشین قیامت» با نشریات مختلف روسی، در موضوعات گوناگون نیز از دیگر برنامه‌های این رونمایی متفاوت و چندمنظوره در مسکو به‌شمار می‌رفت. لازم به ذکر است که جلسه ورک‌شاپ حبیب احمدزاده در مدرسه ماکسیم گورکی، به‌صورت کامل توسط مدیریت این مدرسه معروف و قدیمی داستان‌نویسی روسیه و نیز گزیده‌ای از جلسه رونمایی، در یوتیوب قرار داده شده است.



«شهرزاد» در شبکه خانگی

شرق: حسن فتحی سال‌هاست به‌واسطه ساخت سریال‌های پربیننده‌ای همچون«میوه ممنوعه»، «در مسیر زاینده‌رود» و «شب دهم» ذائقه مخاطبش را شناخته است. او از جمله کارگردان‌هایی است که سعی می‌کند استانداردهای موجود سریال یا فیلم‌سازی را در آثارش رعایت کند و به‌همین‌دلیل هرگاه فیلم‌نامه خوب و قابل‌قبولی به نگارش درآورد یا برای ساخت به او پیشنهاد شود، کارگردانی اثری را آغاز خواهد کرد. حسن فتحی اما در تازه‌ترین فعالیت فیلم‌سازی خود به سراغ شبکه نمایش خانگی رفت؛ مدیومی که بسیاری از همکاران او که تا پیش از این تنها از طریق رسانه ملی برای مردم اثری تهیه می‌کردند قدم در آن گذاشتند. داوود میرباقری، مهران مدیری و کمال تبریزی ازجمله کارگردان‌هایی هستند که از کار در شبکه نمایش خانگی بازخورد بدی ندیدند و طبعا در آینده باید شاهد حضور طیف کارگردان‌های بیشتری در این مدیوم باشیم.

«شهرزاد» عنوان تازه‌ترین سریالی است که از ۲۰ مهرماه به کارگردانی حسن فتحی در شبکه نمایش خانگی توزیع می‌شود. این سریال که با طرحی از حسن فتحی و با همراهی نغمه ثمینی نوشته شده است، در سال ۱۳۳۲ پس از اتفاقات ملی‌شدن صنعت نفت و هم زمان با کودتای ۲۸ مرداد روایت می‌شود. یکی از شخصیت‌های اصلی این قصه، مردی حدودا ۷۰ساله است که همه او را به نام «بزرگ‌آقا» می‌شناسند. بزرگ‌آقا مردی قدرتمند و ثروتمند است که برای خود، باندی مافیایی تشکیل داده. او برای به‌دست‌آوردن ثروت و حفظ قدرتش، از هیچ عملی کوتاهی نمی‌کند و برای پیشبرد کارهایش با شهربانی و دربار در ارتباط است. علی نصیریان، ترانه علیدوستی، شهاب حسینی، مصطفی زمانی، پریناز ایزدیار، مهدی سلطانی، محمود پاک‌نیت، هومن برق‌نورد، گلاره عباسی، غزل شاکری، سهیلا رضوی و فریبا متخصص با هنرمندی جمشید هاشم‌پور و ابوالفضل پورعرب به‌همراه بیش از ۲۰۰ هنرمند دیگر از نقش‌آفرینان این مجموعه هستند که قرار است در ۲۶ قسمت راهی شبکه نمایش خانگی شود. حسن فتحی در مراسم رونمایی سریال از تلاش‌های همه همکارانش در ساخت این مجموعه یاد کرد و به مخاطبانش یادآوری کرد که همواره برای او احترام به مردم مهم بوده و هست: «واقعیت این است که ساخت سریال تاریخی کار ساده‌ای نیست و برای داشتن یک مجموعه خوب باید چند سال زمان صرف کرد. ما برای تولید یک اثر درخور شأن مخاطب و قابل‌اعتنا همه توان خود را گذاشتیم، زیرا می‌دانستیم ذائقه مخاطب بالا رفته است». بازیگران این مجموعه از جمله ترانه علیدوستی و شهاب حسینی هم بارها در گفته‌هایشان از غنای فیلم‌نامه و استاندارد خوب سریال صحبت کرده‌اند. سریال شهرزاد، به تهیه‌کنندگی سیدمحمد امامی و سرمایه‌گذاری مشترک سیدمحمد امامی و سیدهادی رضوی به‌عنوان بزرگ‌ترین پروژه سریالی بخش خصوصی کشور از ۲۰ مهرماه توسط شرکت تصویرگستر پاسارگاد، توزیع و پخش می‌شود. سریال شهرزاد، هم‌زمان با ایران، پخش جهانی‌اش را آغاز خواهد کرد. این سریال نخستین سریال تاریخی شبکه نمایش خانگی است و با توجه به کارنامه حسن فتحی در روایت تاریخ معاصر ایران به نظر می‌رسد این سریال با وسواس و دقت خاصی ساخته شده است و چینش عوامل مقابل و پشت دوربین نیز گواه همین موضوع است. باید دید نخستین تجربه سریال‌سازی حسن فتحی در شبکه نمایش خانگی چه بازخوردهایی خواهد داشت.

معترضان در جشنواره فیلم لندن

شرق: بیش از صد نفر از طرفداران حقوق زنان با گذر از موانع، خود را به فرش قرمز مراسم افتتاحیه جشنواره فیلم لندن رساندند.

نمایش فیلم «حق رأی» که به‌عنوان فیلم افتتاحیه جشنواره بین‌المللی فیلم لندن انتخاب شده بود، با حواشی فراوانی همراه شد و درحالی‌که بازیگران این فیلم مشغول گذر از روی فرش قرمز بودند، بیش از صد نفر از معترضان نسبت به حقوق زنان با عبورکردن از موانع، خود را به فرش قرمز رساندند.

این فعالان حقوق زنان برای اعتراض نسبت به خشونت خانوادگی علیه زنان تجمع کرده بودند و علاوه بر حمل پلاکاردهایی، فضای جشنواره فیلم لندن را با انفجار فشفشه‌های دودزا و رنگی مختل کردند.

فیلم «حق رأی» به کارگردانی «سارا گاورون» که فیلم‌نامه‌اش را «ابی مورگان»، فیلم‌نامه‌نویس فیلم‌های «شرم» و «بانوی آهنین» نوشته، به جنبش طرفداران حق رأی زنان در بریتانیا در اوایل قرن بیستم می‌پردازد و نخستین فیلمی است که اجازه پیدا کرده در پارلمان بریتانیا فیلم‌برداری شود.

در «حق رأی»، «مریل استریپ»، بازیگر برنده سه جایزه اسکار، نقش «املین پنکهرست»، فعال سیاسی حقوق زنان، را بازی می‌کند که در پارلمان بریتانیا سخنرانی مهم و تأثیرگذاری در زمینه حق رأی زنان داشت.

«هلنا بونهام کارتر»، یکی از بازیگران فیلم «حق رأی»، درباره اتفاقات رخ‌داده در مراسم اولین نمایش این فیلم به «اسکای‌نیوز» گفت: خوشحالم که این فیلم کاری کرده است. این درواقع هدف فیلم بوده و این اعتراض، واکنش فوق‌العاده‌ای به فیلم بوده است.

«رومالا گارای»، دیگر بازیگر فیلم «حق رأی»، نیز در این‌باره اظهار کرد: من با معترضان صحبت نکردم و خواسته‌های آنها را نمی‌دانم؛ اما خوشحالم که می‌بینم جنبش حق رأی زنان همچنان زنده و فعال است.

پس از اینکه نیروهای پلیس، معترضان را از محوطه ممنوعه دور کردند و موانع جدیدی در راه آنها قرار دادند، مراسم نمایش فیلم «حق رأی» با ۱۵ دقیقه تأخیر برگزار شد.

مؤسسه فیلم بریتانیا، جشنواره فیلم لندن را از ۷ تا ۱۸ اکتبر برگزار می‌کند.

چسب و قیچی

شاید این مرغ واقعا غاز است



مهرداد احمدی‌شیخانی

• یکی از خبرهای جالبی که هفته پیش دیدم، انتخاب اثر هنری برگزیده سال در انگلستان بود؛ اثری به‌شدت جذاب و دیدنی با عنوان «شلیک‌شده از یک شهاب». این اثر یک دکل برق فشارقوی به وزن ۱۶تُن بود که انگار از آسمان به‌سوی زمین پرتاب شده و با زاویه ۶۰ درجه با سر در زمین فرو رفته است؛ ایده‌ای به‌شدت ساده و بکر و کاملا متناسب با روح زمانه. وقتی تصاویر این اثر را تماشا می‌کردم از خودم می‌پرسیدم چرا این به ذهن من نرسید؟ اما آیا اگر به ذهن همچون منی می‌رسید، فرصت اجرا در کشورمان پیدا می‌کرد. تفاوت در کجاست که چنین ایده‌هایی در این سوی کره خاکی یا از ذهن همچون منی نمی‌گذرد یا اگر هم بگذرد بروز نمی‌یابد. سال‌ها پیش در شورای سردبیری یکی از روزنامه‌ها بودم که گفت‌وگویی در گرفت به این مضمون که مثلا چرا فوتبالیست‌های ما صاحب تکنیکی همچون بازیکنان برزیل نیستند. ایام مسابقات انتخابی جام‌جهانی بود و از این نوع بحث‌ها داغ. یکی از دوستانی که معمولا توجهی به این موضوعات نداشت به‌یکباره وارد بحث شد و پرسید: «چرا برزیلی‌ها مثل ما تذهیب‌کار نیستند» و بعد خودش جواب داد برای رسیدن به کمال در هر موضوعی باید در هوای آن تنفس کرد. به‌گمانم این جواب برای سؤال قبلی من هم جواب صادقی است. چنین ایده‌هایی به ذهن ما خطور نمی‌کند چون هوایی که در آن تنفس می‌کنیم از جنس دیگری است. همان‌طور که ما در هوای خوشنویسی و تذهیب تنفس می‌کنیم و آنها نه. حتی اگر چنین ایده‌هایی در ذهن ما جوانه بزند برای به‌نتیجه‌رساندنش تازه در اول ماجرا هستیم. اینکه چگونه آن را به سرانجام برسانیم؟ با کدام بودجه؟ در کجا؟ با چه حمایتی؟ کدام اسپانسر و پشتیبان؟ و اصلا همه اینها هم که باشد، آیا توان گفت‌وگوکردن بر سر چنین پروژه‌ای را داریم تا سازمانی را متولی آن کنیم؟ تجربه گفت‌وگویمان تا چه حد است؟ آیا تجربه گفت‌وگو با متولیان و صاحبان سرمایه را در این حد یافته‌ایم که چنین پروژه‌هایی را پیشنهاد داده و به سرانجام برسانیم؟ آیا هوایی که در آن تنفس می‌کنیم یعنی فقط اینکه ایده خلاقانه داشته باشیم؟ پس باقی ماجرا چه می‌شود؟

هفته پیش در تهران شاهد نورافشانی خط و تصویر بر برج آزادی بودیم. بسیاری از آن استقبال کردند و به دیدنش رفتند. تصاویرش را مرتبا در فضای مجازی به اشتراک گذاشتند و از آن استقبال کردند. ایده بصری نه‌چندان جدیدی که برای اجرایش امکاناتی لازم است که در کشور ما کمتر یافت می‌شود. اما جدای از استقبالی که از آن شد، عده‌ای هم معترض داشت، به‌خصوص در بین اهالی هنر که خود دستی از دور و نزدیک بر آتش دارند. مضمون کلی این اعتراضات بر این استوار بود که برای ما همیشه «مرغ همسایه غاز است» و اگر مثلا چنین طرحی از طرف یک هنرمند ایرانی پیشنهاد شده بود، جدی گرفته نمی‌شد، ولی چون یک هنرمند خارجی آن را جلو برده، از آن استقبال شده و متولیان امور فرصت و بودجه آن را فراهم کرده‌اند و اینکه چنین نورافشانی‌ای نه دارای ایده بصری خاص بوده و نه رخداد هنری بکر و تازه‌ای و البته اینکه هنر و توانایی هنرمندان ایرانی در این سرزمین به هیچ گرفته می‌شود و به همین دلیل فرصت رشد و بالندگی فراهم نیست.

فرض کنیم همه این ایرادها درست باشد و کاملا هم مرغ همسایه را غاز دیده‌ایم، ولی خب این غازدیدن از یک جایی آمده است. همین‌طوری که مرغ به یک کرشمه غاز نمی‌شود. کسی که می‌خواهد چنین پروژه «غازنما»یی را به سرانجام برساند باید چهارتا غاز نمایی قبلی هم داشته باشد. نمی‌شود که فقط زدوبند کرد. بالاخره موقع اجرای کار هم می‌رسد. اگر قبلا پروژه‌ای در این حد را عملیاتی نکرده باشد که در مرحله اجرا وامی‌ماند. اصلا یک سؤال، همین دوستان معترض چرا تابه‌حال چنین ایده‌ای را طرح نکرده و کار را به گفت‌وگو و نتیجه نرسانده بودند؟ اگر بوده، سابقه آن را نشان دهند. خب واقعیت امر این است که ما سابقه ایده‌هایی در این حد که مراحل اجرائی پیچیده یا حتی نیمه‌پیچیده داشته باشند را کمتر داریم. نه‌اینکه از خلاقیت تهی باشیم، نه! در سابقه ما نیست، چون در چنین هوایی تنفس نمی‌کنیم. وقتی مثلا گرافیست‌های ما در سوابق کاری خود پوسترهایی را به تماشا می‌گذارند که روی دیوار شهرها دیده نشده و از دل سفارش و تعامل با سفارش‌دهنده بیرون نیامده، چه انتظاری می‌شود داشت. رسیدن به یک اتفاق همچون رخداد نورافشانی بر برج آزادی فقط ناشی از توان و خلاقیت نیست. پروژه‌ای است که از دل سوابق، گفت‌وگو و تعامل بیرون می‌آید. شاید اگر مرغی غاز می‌شود به همین دلایل باشد.

